



تحریم و اعتصاب بجای شرکت در انتخابات فرمایشی!

یادداشت

صادق کار



در آستانه انتخابات فرمایشی مجلس فقهاتی خوشبختانه چنان موج گسترده و بی سابقه‌ای برای تحریم انتخابات توسط جریانان سیاسی - اجتماعی کشور به راه افتاده است که طی ۴۱ سال گذشته مانند آن وجود نداشته است. دامنه تحریم این بار حتا از سطح نیروهای اپوزیسیون فراتر رفته و عده‌ای از جریانان رد صلاحیت شده درون رژیم که در تمام انتخابات پیشین شرکت فعال داشتند نیز زمره بی فایده بودن شرکت در انتخابات فرمایشی را سر داده‌اند. البته دلیل بی رغبتی آنها در این دوره با نیروهای تحریم کننده بکلی متفاوت است و علت آن رد صلاحیت اکثریت کاندیداهای آنها توسط شورای نگهبان است. آنها با وجود واقف بودن به بی خاصیت بودن مجلس اگر صلاحیت شان را رد نکرده بودند حتما در انتخابات شرکت می کردند و چه بسا علیه تحریم کنندگان هم با دارودسته خامنه‌ای متحد می شدند.

حکومت برآستی نگران عواقب تحریم انتخابات است. تحریم گسترده در این دوره در واقع حکم رفتار دوم را برای حکومت دارد و به معنی نه کوبنده دیگری از جانب مردم به حکومت است. حتا اگر رژیم با تقلب نتایج انتخابات را این بار نیز مطلوب خواست خودش تغییر دهد، نمی تواند از عواقب آن خود را برهاند. از همین رو ست که خامنه‌ای در پی اعلام پیاپی تحریم توسط جریانان مختلف سیاسی - اجتماعی و اعتراض دارودسته روحانی به رد صلاحیت اطرافیان شان به صحنه آمد بلکه با هشدار و تهدید و التماس، تغییری در فضای یخ زده انتخاباتی بوجود آورد. او در همین راستا در یک سخنرانی که روز چهارشنبه هفته جاری برای عده‌ای از طرفداران حکومت ترتیب داده بودند، از یک سو به اصلاح طلبان حکومتی و دارودسته روحانی بخاطر انتقاداتی که از رد صلاحیت نامزدهای وابسته به خودشان و به شیوه برگزاری این دوره از انتخابات و انتصابی شدن آن می کنند به سختی تاخت و با زبانی تهدید آمیز روحانی و همراهان وی را از این کار برحذر داشت و از سوی دیگر با زبانی متفاوت به مانند ایام انتخابات پیشین ابلهانه و ملتسمانه از مخالفان نظام هم خواست که بخاطر کشورشان در انتخابات شرکت کنند و لابد به مزدوران سرسپرده وی که توسط شورای نگهبان دست چین شده‌اند رای دهند تا با پشتوانه آرای مردم او بتواند حکومت ننگین اش را سر پا نگاه دارد و به جنایات اش علیه مردم و کشور ادامه دهد.

طرح یک چنین تقاضایی را آنهم در اوج سرکوب و کشتار و بگیر و ببندها و محاکمات مبارزان سیاسی و اجتماعی و اوج فساد و افلاس اقتصادی کشور برآستی فقط از یک سیاستمدار ابله می شود انتظار داشت. اگر در انتخابات گذشته عده قابل توجهی از مردم عادی فریب شعارهای دروغین روحانی را خوردند و در انتخابات شرکت کردند، نه به واسطه دعوت خامنه‌ای از مخالفان نظام برای شرکت در انتخابات، بلکه بخاطر مخالفت های ظاهری اصلاح طلبان حکومتی و دارودسته روحانی با خامنه‌ای بود. حالا که مردم متوجه خیانت دارودسته روحانی شده‌اند و شاهد رانده شدن آنها از قدرت هستند، چگونه می شود از مخالفان رژیم که بیشترشان در دوره گذشته نیز دعوت خامنه‌ای را بی پاسخ گذاشتند و در انتخابات شرکت نکردند، خواست که به دعوت ولی فقیه جنایتکار پاسخ مثبت دهند؟ پیشاپیش پیداست که تکرار چنین دعوت کاسیکارانه‌ای تاثیری در اراده اکثریت جامعه برای تحریم انتخاباتی که فرمایشی تر از تمام دوره های گذشته نیز برگزار خواهد شد و تقویت ارتجاعی ترین و هارترین جناح حکومت را مد نظر قرار داده، نخواهد داشت. تهدیدات خامنه‌ای تا آنجا که متوجه اصلاح طلبان و دارو دسته روحانی است البته روی تغییر مواضع آنها بی اثر نیست، ولی مسئله این جاست که آنها بواسطه عملکرد گذشته شان حکم سرداران بی لشکر را دارند که تأیید و رد صلاحیت شان در گرم کردن تنور انتخابات اثر چندانی ندارد. اصلاح طلبان نیز تحریم انتخابات را بسود خود نمی دانند. قصد آنها از انتقاداتی که نسبت به رد صلاحیت ها می کنند گرفتن امتیاز است. اگر با تحریم موافق بودند از آغاز کاندیدا نمی



شدند. آنها با نامزد شدن در انتخابات این بار نیز به مردم پشت کردند و نشان دادند که حاضر به گذشتن از منافع شان نیستند و می خواهند سهم شان از قدرت و ثروت را حفظ کنند. حکم جریانی را دارند که هم نفوذشان در جامعه را از دست داده اند و هم در حال رانده شدن از حکومت هستند. اصرار برای نماینده شدن در مجلسی که ملعبه دست ولی فقیه است و اگر نماینده ای دست از پا خطا کند سروکارش با کرم الکاتبین است. چه دلیلی جز منفعت طلبی شخصی می تواند برای کسانی که چند دوره هم نماینده بوده اند ولی سابقه خوبی از خودشان بر جا نه نهاده اند و دیده اند که مجلس فاقد قدرت و تاثیرگذاری در سرنوشت مردم و کشور است باشد؟ آنها برآستی طرفدار انتخابات آزاد و شریاطی که همه جریانات سیاسی و اجتماعی بتوانند کاندیداهای خودشان را معرفی کنند نیستند. در یک انتخابات رقابتی و آزاد اکثر آنها با تفکرات و منش ها و سوابق تا کنونی شان شانس چندانی برای راه یافتن به مجلس ندارند. شانس محافظه کاران وابسته به خامنه ای در صورت برگزاری انتخابات آزاد برای نمایندگی در حد صفر است. مجلسی که از دل یک انتخابات دموکراتیک بیرون بیاید بقای چنین رژیم را تحمل نخواهد کرد. وجود همین نقطه اشتراک یکی از دلایل بقای سیستم به اصطلاح انتخاباتی کنونی است که با تحریم و بایکوت نیز باید برای برچیدن اش مبارزه کرد. هم از این رو ست که درخواست وی از معاون اش برای تهیه "لایحه ای برای اصلاح بخش نظارت بر انتخابات" یک مانور دیر هنگام و نمایشی است که برای چانه زنی بر سر رد صلاحیت طرفداران اش طرح شده است و مقصود از آن حذف مواضع شرکت دگرانیشان در فرایند انتخابات نیست. بساط انتخاباتی موجود باید از بیخ و بن کنده شود و یک سیستم انتخاباتی به راستی دموکراتیک جای آنرا بگیرد. و این آن چیزی نیست که مطلوب هیچ یک از جناح های رژیم باشد. بهمین جهت است که روحانی و اصلاح طلبان به سیاست یک بام و دو هوا روی آورده اند و با یک دست انتخابات را پس می زنند و با دست دیگر آنرا پیش می کشند. با همه این احوال وجود این درگیری ها فارغ از نیت فاعلان آنها در شرایط کنونی از آنجا که لاجرم حکومت را تضعیف می کند به نفع اپوزیسیون ترقی خواه تمام خواهد شد.

با وجود این کشاکش ها تلاشهای مذبوحانه عده ای از جریانات اصلاح طلب برای گرم کردن تنور انتخابات و ماندن در قدرت ادامه دارد. خود روحانی با اینکه از انتصابی شدن انتخابات دم می زند و به آن اعتراض می کند، همچنان از مردم می طلبد که در انتخابات شرکت کنند. روحانی طوری حرف می زند که گویا در دوره های گذشته انتخابات انتصابی نبوده است و در این دوره است که انتصابی شده است. اگر انتخابات آزاد بود و انتصابی نبود نه خود او اینک رئیس جمهور بود و نه نمایندگانی که در مجلس هستند، در مجلس بودند.

سرکردگان تشکل های کارگری وابسته به حکومت نیز که بین اصلاح طلبان و کارگزاران به اصطلاح اعتدالگرا عمری ست در حال گشت و گذار هستند، در این میان می کوشند فارغ از این درگیری های جناحی با تبلیغات گسترده و سازماندهی میتینگ های انتخاباتی و دادن وعده های دروغ کارگران و دیگر گروه های مزدبگیر و زحمتکش را به پای صندوق های رای بکشانند و تنور انتخابات را، مطابق رهنمود رهبرشان گرم کنند و بقا و منافع خودشان را حفظ نمایند. این تلاشها در حالی انجام می گیرند، که خود این جماعت فریبکار اذعان می کند که در مجلس به روی کارگران سالهاست بسته مانده و کارگران و بازنشستگان از عملکرد نمایندگان مجلس ناراضی اند. با وجود این همه اعتصابات و اعتراضات کارگری و مخالفت کارگران با سیاستهای جناح های حکومتی و با خود این جماعت شگفت انگیز است که اینها تصور می کنند می توانند کارگران را به پای صندوق های رای بکشانند و وادار به رای دادن به آنها بکنند که در خیابانها و کارخانه ها سرکوب شان می کنند، در بیدادگاه ها آنها را به محاکمه می کشند و برایشان احکام زندان و شلاق صادر می کنند، در دولت و مجلس قوانین را علیه شان تغییر می دهند و در کارخانه ها، مدارس، اداره ها و بیمارستانها دستمزدهای شان را زیر خط فقر نگه می دارند و امنیت شغلی شان را از بین می برند. با این اوصاف چگونه ممکن است کارگر رغبتی به شرکت در انتخاباتی نشان دهد که پیشاپیش می داند نتیجه اش وضعیت او را بدتر خواهد کرد. طبقه کارگر و مزدبگیر خوشبختانه آگاه تر از آن است که فریب این گونه ترفندهای لو رفته را بخورد. در انتخابات گذشته مجلس نیز شمار کارگرانی که در آن شرکت کردند بسیار کمتر از دیگر گروه های اجتماعی بود. در انتخابات ریاست جمهوری گذشته مشارکت کارگران باز هم کمتر شد. در این دوره با اطمینان می توان گفت که طبقه کارگر و مزدبگیران فعالانه تر از گذشته در تحریم انتخابات فرمایشی مجلس شرکت و با تداوم و گسترش اعتصابات و اعتراضات خود سیاستهای ضد کارگری و سرکوبگرانه رژیم را در کارخانه و خیابان به چالش خواهد کشاند. شرکت در این انتخابات و هر رایی که در آن به صندوق ریخته شود به سود خامنه ای، کمک به فقر، بیکاری، سرکوب و فلاکت و افلاس اقتصادی و حمایت از جنایتکاران حاکم است. بهمین جهت لازم است تک تک احاد آزادیخواه کشور بویژه کارگران و مزدبگیران در کارزار تحریم انتخابات فرمایشی که تاثیراتی به اندازه یک خیزش عمومی علیه رژیم را دارد شرکت و دیگران را نیز به پیوستن به آن ترغیب و توجیه نمایند. گسترش اعتراضات و اعتصابات همراه با تحریم انتخابات فرمایشی مجلس ارتجاعی و ضد کارگری رژیم آن پاسخ درخوری است که کارگران و زحمتکشان بایستی به دعوت خامنه ای از مخالفان برای شرکت در انتخابات بدهند.

کارگران، معلمان، فعالین مدنی و دانشجویی زندانی را آزاد کنید!

تاریخ شکست انگیز نئولیبرالیسم- بخش هفتم و پایانی پتر ویم زاید هوف



طرح بحران

نئولیبرالیسم به عنوان "بازار- ساختارگرایی" - ادامه

تبعات نگاه بازار- ساختارگرا در درجه نخست متوجه مناسبات میان بازار و دولت می شود. در این نگاه، برخلاف نگاه طبیعت گرا (نگاه لیبرالی سنتی)، سیاست مشروعیت خود را از این که چقدر در محدود کردن خودش یا محدود کردن بازار موفق بوده است، کسب نمی کند؛ بلکه درست برعکس از آن کسب می کند که در بنا و استقرار بازار چقدر موفق بوده است. از این قرار مناسبات میان بازار و دولت درست بر کله قرار می گیرد. دولت این وظیفه را ندارد که مواظب بازار باشد، بلکه دقیقاً این وظیفه را دارد که بازار را تیمار کند. از این رو، این نگاه به بازار همچون معیاری برای ارزیابی آنچه دولت‌ها انجام می دهند، می نگرد و دولت را خدمتگزار بازار تلقی می کند. به نظر من، همانا این انتقال نگاه - از نگاه طبیعت گرا به نگاه ساختارگرا به بازار - و تلفی از دولت به عنوان خدمتگزار بازار است که در اساس به نئولیبرالیسم شکل می دهد و آن را به یکی از اشکال بازار- بنیادگرایی تبدیل می کند.

بازار- ساختارگرایی از سالهای 70 قرن گذشته به این سو تاخت بزرگی برداشته است. این حرکت از آنچه جیمی پک (Jamie Peck) به آن عنوان "عقب راندن نئولیبرالیستی" را داده است، شروع می شود. این شروع مشخصاً با اجرای نظریات لیبرالی فریدمن رقم می خورد، که معتقد بود بازار را که امری طبیعی است، باید حتی الامکان آزاد گذاشت؛ کیفیتی که برای مثال و به طرز نمونه وار، در سیاستهای ریگان و تاچر بروز یافت. اگرچه در این مرحله سیاست در واقع مدام بیشتر و بیشتر متوجه بازار شد، اما هنوز رسماً می شد آن را همان نوعی سیاست لیبرالی تیپ شناسی کرد. و اما سیاست بازار- ساختارگرایی در دوره بعدی، به تاخت و تاز دست زد که می توان آن را دوره گستراندن نئولیبرالیستی تیپ شناسی کرد. این دوره ای است که در آن انواع راه حل‌های بازاربنیاد توسط دولتهای مختلف به اجرا گذاشته شدند و دولتها در زمینه های مختلفی دست به "بازارسپاری" زدند. برای نمونه می توان از سپردن وظایف دولت - همچون حمل و نقل عمومی، کاربایی، تیمار خانگی و آموزش - به بازار نام برد. زیر این عنوان اجرای سیستمهای بازارمانند یا "نیمه بازاربنیاد" در بخشهای دیگر، مثلاً در بخش بهداشت، نیز منظور اند. همچنین باید از برخی گرایشهای اخیر در استفاده از مشوق در سیاستهای دولتی نام برد؛ مثلاً در برنامه هائی برای پرهیز و گریز از راهبندان، که در آن رانندگان در صورت پرهیز از رانندگی در ساعات شلوغی از مشوقهای مالی برخوردار خواهند شد. شاید بهترین مثال از بازار- ساختارگرایی نئولیبرالی، اجرای سیستم خرید و فروش حق آلوده کردن محیط زیست باشد که اتحادیه اروپا آن را ابداع کرده است. این یک متد مفرط نئولیبرالی برای مبارزه با آلودگی محیط زیست است، زیرا روشی از سیاست گزاری است که تماماً بر ایده برپا داشتن یک بازار استوار است.

این نوع تعبیه ها و مقررات به مراتب از صرف آزاد گذاشتن بازار فراتر می روند و دقیقاً تا برپا داشتن و ساختن بازار پیش می روند. این نمونه ها نشان می دهند که بازار- بنیادگرایی نئولیبرالیسم بر این واقعیت استوار است که دولتها بیشتر و بیشتر سررنجهای هدایت خود را به دست بازار می سپرند و همچنین بیشتر و بیشتر در خدمت به بازار عمل می کنند. از این قرار نگاه نئولیبرالیستی در خدمتگزاری خود به بازار به مراتب از سلف خود، لیبرالیسم کلاسیک، فراتر می رود و به پوچ کردن بیشتر کارکردهای دولت راه می برد. همانا این وجه بازار- ساختارگرایی است که در روایت از تاریخ نئولیبرالیسم مورد توجه کافی قرار نگرفته و به این منجر شده که نئولیبرالیسم تا مدتی چنان که باید ارزیابی نشده است.



با تکیه به این نتیجه که نئولیبرالیسم یک مثنی سیاسی بازار- ساختارگرا است، می توان به بسیاری از سؤالاتی که در باره آن و تاریخش مطرح اند، پاسخ گفت. نخستین درس این که نئولیبرالیسم صرفاً سیاستی مبتنی بر "بازار بیشتر و دولت کمتر" نیست. آنچه نئولیبرالیسم را از دیگر انواع لیبرالیسم متمایز می کند، همانا تأکید آن بر بازارهایی است که توسط دولت ایجاد، سازماندهی و هدایت می شوند. در این رویکرد پیوند بین بازار و دولت یکسره متفاوت از این پیوند در دیگر رویکردهای لیبرالی است. در رویکرد نئولیبرالی دولتها به عنوان گشاینده راه بازار عمل می کنند و نقش خود را تقریباً تنها در ترمهای بازاری خلاصه می بینند. تفسیر بازار-ساختارگرایانه از نئولیبرالیسم همچنین بر نقش اندیشکده های مختلف در گسترش آن روشنی می بخشد. نقش اندیشکده ها مقدمتاً گسترش یک اندیشه نئولیبرالی نبوده است، بلکه در درجه اول ابداع و تدبیر اندیشیده ساختارهای جدید برای بازار بوده است. این اندیشکده ها با سیل پایان ناپذیر اخبار، گزارشها و یادداشت های سیاستگزارانه شان نه یک ادعای نامیه برای نئولیبرالیسم، بلکه راه حل های بازاربنیادی را که برای هر مسئله سیاسی بایست ابداع می شدند، ارائه دادند.

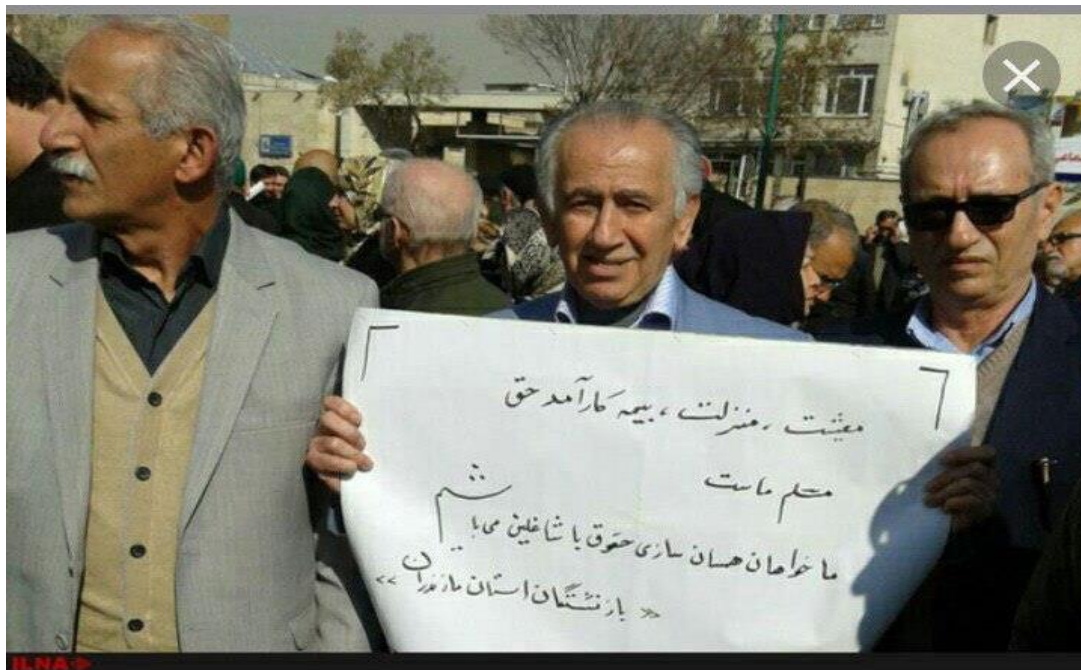
سرانجام این که تفسیر بازار- ساختارگرا از نئولیبرالیسم دستمایه ای برای بازتفسیر تاریخ آن نیز فراهم می آورد. این تفسیر اهمیت اندیشه های پیشگامان اولیه آن، مثل آردویرالها را می نمایاند و نقشی را که روایت مرسوم برای هابک و فریدمن قائل است، تخفیف می دهد. هابک را به دشواری می توان در مقام یک ساختارگرا تصویر کرد و فریدمن را باز هم دشوارتر. علاوه بر این، به عینه می بینیم که نقش نئولیبرالیسم در گذر زمان تغییر کرده و تدریجاً اشکال اکیدتر بازار- ساختارگرایی به خود گرفته است. جریانهای مختلفی از عبارت نئولیبرالیسم استقبال کرده اند که به درستی تشخیص داده اند نقش سیاسی بازار، زیر تأثیر اقتصاددانان، سیاستمداران و اندیشکده های مختلف تدریجاً محتوای لیبرالی خود را از دست داده و مدام محتوای ساختارگرایی یافته است. شاید همه این جریانها هم همیشه به درستی از پس بیان این روند بر نمی آمده اند.

امید من این است که با تشخیص نئولیبرالیسم به عنوان یک مثنی سیاسی بازار- ساختارگرا بتوانیم به دید روشنتری از تاریخ آن و مهار محکمتری بر تأثیر آن روی سیاست امروزی نائل آئیم.



مبارزه مشترک برای آزادی فعالین کارگری، مدنی و سیاسی را سازمان دهیم!

خاک بر چشم بازنشستگان نپاشید! الف فلزکار



"علی اصغر بیات" رئیس کانون عالی بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تامین اجتماعی در این هفته در یک گردهمایی بازنشستگان که به منظور تشویق بازنشستگان به شرکت در انتخابات مجلس در اسلام شهر تشکیل داده بود سخنرانی نمود.

رئیس کانون عالی بازنشستگان که یک تشکیلات حکومتی است، در سخنرانی اش پس از اشاره به درماندگی بازنشستگان از تهیه اقلام مصرفی و خوراک، سرنوشت تامین اجتماعی و بازنشستگان را در گرو انتخابات مجلس عنوان نمود و متذکر شد؛ "مجلس راهگشاست و این نهاد مهم پایگاه و مسیر حرکت دولت و ملت را مشخص می‌کند، ... انتظار بازنشستگان از نمایندگان و کاندیداها پیگیری مشکلات و مطالبات بازنشستگان است. مطالباتی که تعدادی از آنها حل شده یا در حال حل شدن است و مطالباتی که زمین مانده و نیاز به حمایت و پیگیری نمایندگان مجلس دارد."

رئیس این تشکیلات حکومتی که سالهاست "فعالیت" می‌کند در حالی سعی می‌کند مجلس را چاره دردهای بازنشستگان جا بزند و بازنشستگان را به شرکت در انتخابات مجلس نماید که از نعمت مجلس و دولت به قول خودش امروزه وضعیت بازنشستگان طوری ست که حتا قادر به تامین اقلام مصرفی و خوراک خود نیستند!

او از حل بخشی از مشکلات بازنشستگان و حل بقیه در آینده دم می‌زند، اما نمی‌گوید کدام مشکل را تا کنون حل کرده‌اند؟ حل بقیه مشکلات در آینده‌ای که معلوم نیست هرگز برسد، نیز وعده سر خرمن است.

با این وصفی که ایشان از وضعیت زندگی بازنشستگان می‌کنند و این تنها حرف درستی است که در این گردهمایی از دهان جناب رئیس زده شده، پس این مجلس و دولت و نمایندگان آن که با عملکردشان طی ده‌ها سال بازنشستگان را درمانده از تامین خورد و خوراک شان نموده‌اند، چگونه ایشان باز هم تغییر وضعیت بازنشستگان را در گرو شرکت در انتخابات و رای دادن به کسانی می‌کند که ده‌ها سال سابقه نمایندگی دارند و جز بدتر کردن وضعیت بازنشستگان کار دیگری برایشان نکرده‌اند. بازنشستگان مگر چند بار از یک سوراخ باید گزیده شوند؟ که آقای بیات آنها را به آن توصیه می‌کند؟

و اما چرا بازنشستگان کارشان به درماندگی کشیده شده است و چرا این رهبر به اصطلاح کارگری بجای گفتن علل واقعی درماندگی بازنشستگان دروغ می‌گوید و سعی در به بیراه بردن آنان دارد؟

علل معلوم اند، راه حل ها هم وجود داشته و دارند، منتهی گفتن آنها از نظر این نماینده وابسته به قدرت نه به مصلحت، مجلس و دولت و نه به مصلحت ایشان و رفقای او است که قرار است با رای این بازنشستگان وارد مجلس شوند!

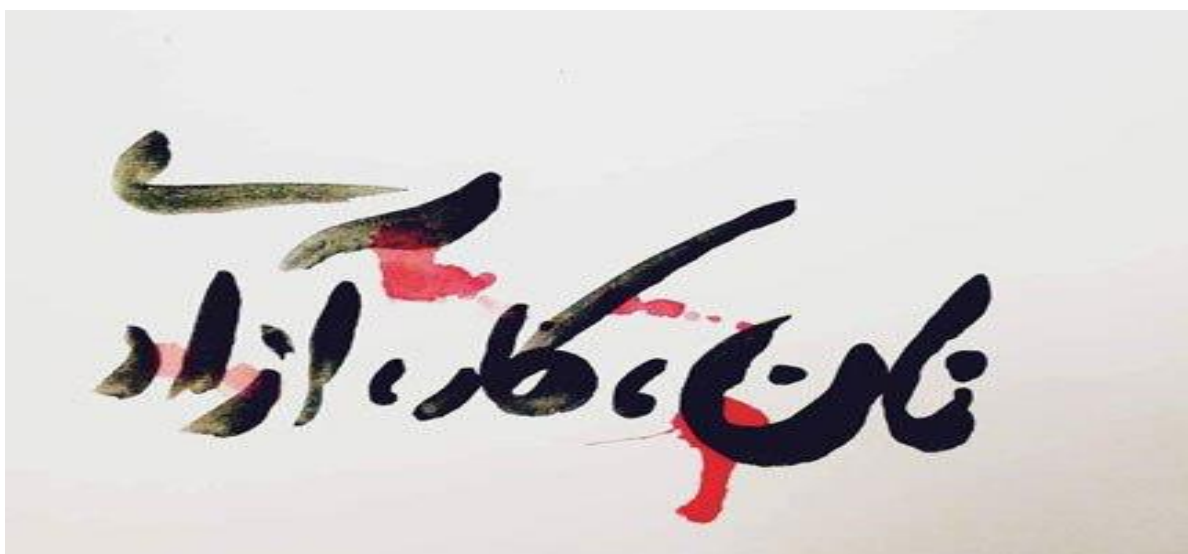


علل درماندگی امروزه بازنشستگان و بدتر شدن همه ساله درماندگی شان، در بالا بردن سهم بازنشستگان از هزینه درمان و دارو، عدم افزایش حقوق بازنشستگی متناسب با تورم و افزایش هزینه‌های زندگی، گرانی هزینه مسکن، غارت منابع تامین اجتماعی توسط دولت، بذل و بخش شرکت‌های "شیستا" میان اعوان و انصار حکومتی ها و عوامل آنها، پرداخت نکردن حق بیمه ها توسط دولت و کارفرمایان، اختصاص ۹ بیست و هفتم حق بیمه تامین اجتماعی به وزارت بهداشت و درمان ... است. بدهی دولت به تامین اجتماعی طی ۶ سال ۲/۵ تا ۳ برابر شده است. این آقایان نمایندگان و قانون گذاران تا کنون مگر جلوی کدام یک از این اقدامات غیر قانونی را گرفته‌اند که از این به بعد خلاصی بازنشستگان "درگرو" آنها است؟ خود این کانون که قرار بوده از حق و حقوق بازنشستگان دفاع کند جز دنباله روی از سیاست‌های دولت که شاغل و بازنشسته را محتاج نان شب شان نموده، چه کرده است؟ چند اعتراض علیه این اقدامات را سازمان داده است؟ به حل کدام مشکل بازنشستگان مساعدت نموده است؟

اگر این تشکل مدافع حقوق بازنشستگان بود، و ابزار پیشبرد سیاست‌های حکومت نبود، که بازنشستگان دنبال تشکلهای دیگر نمی رفتند. در سالهای اخیر تشکلهای مستقلی توسط بازنشستگان تشکیل شده است. این تشکلهای بر خلاف تشکلهای حکومتی برای دفاع از حق و حقوق بازنشستگان و سازماندهی اعتراضات آنها تشکیل شده و اقدامات زیادی را انجام داده‌اند و توانسته‌اند اقدامات موثری برای دفاع از صندوق ها و سرمایه های آنها انجام دهند. کانون عالی بازنشستگان تا کنون چه کرده است؟

وعده همسان سازی حقوق بازنشستگان را به دروغ می دهید. اگر به آن پایبند بودند و می خواستند به آن عمل کنند می بایستی در مجلسی که بیش از یک سوم آن در اختیار طرفداران دولت بود عملی اش می کردند. علیرضا محجوب و خانم جلودار زاده نمایندگان شما در مجلس گذشته و کاندیدهایتان برای مجلس آینده چه اقدامی برای انجام آن تا کنون انجام دادند؟ خاک بر چشم بازنشستگان نپاشید و سعی نکنید آنها را به بیراهه ببرید! بازنشستگان نیز مانند اکثریت مردم این کشور به ماهیت حکومت و نهادهای حکومتی امثال مجلس و کسانی که اذن دخول به آنرا می گیرند و فرمایشی بودن و هیچکاره بودن مجلس آنقدر شناخت دارند که فریب این وعده‌ها را نخورند.

این بار که بقول رفقای خودتان قرار است بجای انتخابات، انتصابات برگزار شود و مجلس را با بازاری ها، سرداران سپاه، زندانبانان، رانتخواران و آخوند های سر سپرده و تاجران و دلالان دین پر کنند و سردار قالیباف دزد و اختلاسگر را رئیس آن کنند، دیگر چرا خلاصی بازنشستگان از زیر خط بقا را در "گرو" مجلس و انتخابات عنوان می کنید؟ وظیفه‌ای را که به عهده تان گذاشته‌اند باید انجام دهید، انجام دهید ولی بدانید که گوش بازنشستگان از این حرفها و وعده ها پر است و آنها تنها مدعیان نمایندگی را با عمل شان می سنجند!



مبارزه برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری را گسترش دهیم!

جایگاه کارگران در "نافرمانی مدنی" و تحریم انتخابات فرهاد فدایی



هر چند که اکثریت بزرگی از جامعه ایران از زندگی مناسبی برخوردار نیستند، و نزدیک به ۸۰ درصد مردم ما طبق گفته شهاب نادری، نماینده مردم "اورامانات" در مجلس شورای اسلامی، زیر خط فقر زندگی می کنند و فقر چهره کریمه خود را به عنوان محصول ناب سیاست های نئولیبرالی جمهوری اسلامی ایران، در سراسر کشور هویدا ساخته است، تا بخش قابل توجه ای از برداران حزب اللهی، سپاهی، امنیتی ها و دسته ای از آیت الله های نوکیسه بعد از انقلاب به آب و نانی برسند و فرزندان شان در آمریکا و اروپا شاهانه زندگی کنند و ده ها میلیون خانوارهای کارگری و مردم کوچه و بازار هر روز فقیرتر، بدهکارتر، بدون داشتن حداقل های یک زندگی معمولی، در جهنم جمهوری اسلامی ایران روزی هزار بار بمیرند و زنده شوند تا از این ماه به ماه دیگر و از این سال به سال دیگر در مشکلات و گرفتاری ها و ... غرق شوند.

هر روز که می گذرد جمهوری اسلامی ایران بیش از گذشته در مجلاب خود ساخته طی چهار دهه سیطره سیاسی اش برکشور مان، ناکارآمدتر، بی مسوولیت تر و فاسد تر می شود.

امروز تکیه حکومت نه بر مشروعیت، نه در پایگاه مردمی، نه در ایده الوژی اسلامی و ... بلکه متکی بر زور سرنیزه اش است، نان شب مردم را خرج جنگ طلبی، تقویت نیروهای سرکوب گر و آدم کشان حرفه ای خود در ایران و خارج از کشور می کند.

هر جا که کم می آورد، مستقیماً دست به سفره مردم و در خط اول از زندگی و حق و حقوق کارگران کسر می کند.

کارگران به عنوان منسجم ترین بخش طبقه اجتماعی خصوصاً در کارخانه ها بزرگ طی سال های اخیر به خوبی نشان داده اند، که وقتی متحدانه اعتصاب می کنند و فریب عوامل کارفرما و اداره کار را نمی خورند، می توانند به خوبی به نتیجه دل خواه برسند و پیروز شوند.

این الگو امروز جا دارد، بیرق ملی شود. آحاد جامعه می توانند از انسجام، تشکل یابی، مبارزه پیگیر و مستمر کارگران بیاموزند و به کار برند.

طبق نظر سنجی های مختلفی که از سوی نهاد های امنیتی، خبرگزاری های نزدیک به حکومت و فعالان سیاسی متمایل به اصلاح طلبان حکومتی ارایه شده است، حدود ۹۰ درصد از مردم ایران از شرایط فعلی هیچ گونه رضایتی ندارند، از سویی دیگر اقلیتی از جامعه که روحیه مبارزه با ستم را دارند، در درگیری ها و مبارزه رو در رو با عوامل سرکوب گر در کف خیابان حاضر به دادن هزینه هستند، چنین شاخصه ای طی سال ها و ماه های گذشته بیشتر تشدید شده و گویای این واقعیت است که



ظرفیت مبارزه جامعه از حد محافظه کاری دور گشته و دارای گرایش به گسترش و رشد مبارزه در ابعاد و اشکال مختلف دارد، برای نمونه می توان به اعتراض های ماه های اخیر، اعتصاب های و اعتراض های دانشجویی، کارگری، معلمان و ... اشاره کرد.

چنین ظرفیتی محصول شرایط امروز جامعه ایران است، که حتی سیاست های سرکوب گرانه رژیم هم با وجود دستگیری های گسترده فعالان کارگری، دانشجویان، معلمان و ... دیگر کار ساز نیست.

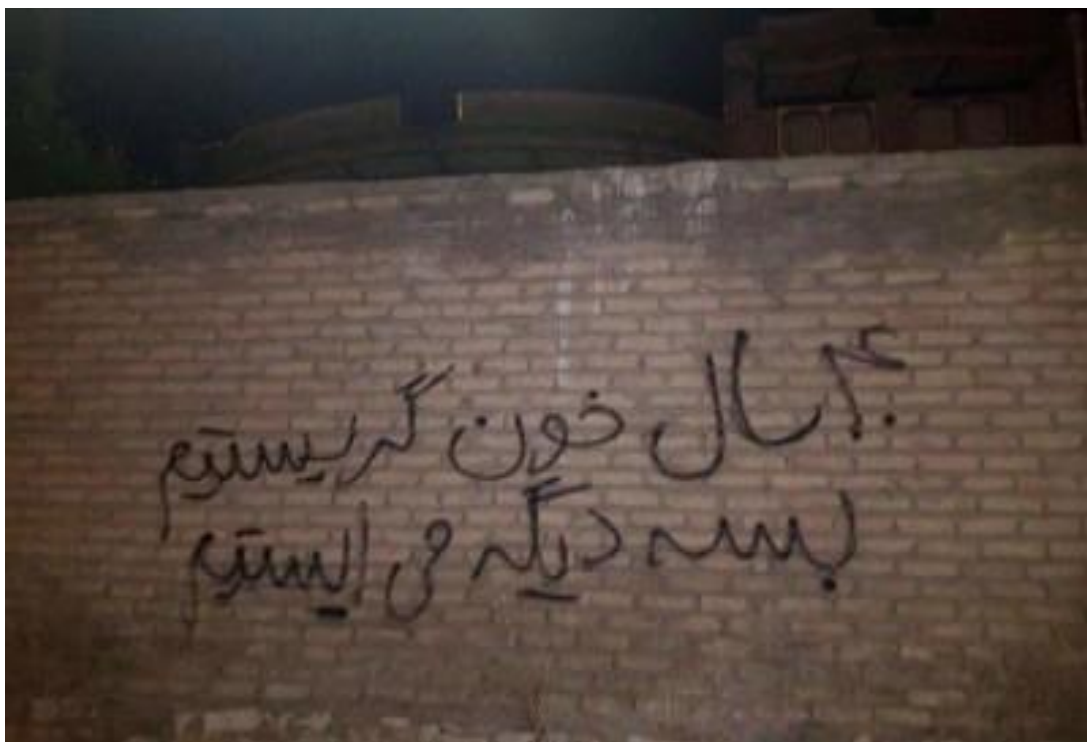
واقعیت است که، کفه مبارزه مردم بر علیه رژیم در حال سنگین تر شدن است، و می توان از این فرصت تاریخی برای تقویت جنبش اجتماعی مردم ایران و در در راستای منافع کارگران و زحمتکشان بهره گرفت.

برای شروع مبارزه در قالب "نافرمانی مدنی" امروز بهترین زمان است. تمام افشار و طبقاتی که در مجموع ۹۰ درصد، جامعه ناراضی ایران را تشکیل می دهند، برای نه گفتن به فقر، فساد، بی لیاقتی مسئولان رژیم و برای مبارزه متحدانه تا رسیدن به زندگی بهتر؛ عدالت اجتماعی، آزادی و کنار زدن مافیای حاکم بر کشور که چنین جهنمی را به ۸۰ میلیون ایرانی تحمیل کرده، باید متحد شوند.

کارگران به عنوان طبقه ای که بیشترین صدمه را از چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی متحمل شده اند و روز به روز، رفاه، امنیت شغلی و حق و حقوق خود را از دست داده اند، می توانند با تکیه بر "نافرمانی مدنی" در کارخانه، محله، محفل های فامیلی و ... مبارزه مردم ایران را برای ساختن فردایی نو و عاری از ستم و استثمار سازمان دهند.

انتخابات نمایشی و مهندسی شده رژیم جمهوری اسلامی ایران، در اسفند ۱۳۹۸ برگزار می شود، از هم اکنون از هر فرصت و امکانی برای تهیج افکار مردم با هدف تحریم انتخابات فرمایشی اقدام کنیم، تا با قدرت اولین گام "نافرمانی مدنی" در ابعاد ملی محقق شود.

بی شک فردای ایران در پرتو مبارزه امروز شما کارگران و زحمتکشان ساخته خواهد شد، تا بتوانیم دست به دست هم عدالت اجتماعی و آزادی را در کشور خود حاکم کنیم.



**همه با هم به حمایت از بازداشت شدگان و خانواده های جان باختگان
خیزش سراسری برخیزیم!**



اشتغال در اقتصاد سبز- بخش دوم

شبکه سازمان های پژوهشی برای ارزیابی اشتغال سبز

ترجمه گودرز



شبکه سازمان های پژوهشی برای ارزیابی اشتغال سبز – گزارش پیش انتشار 2017 (1)

دیباچه

کنفرانس ریو+20 که در سال 2012 در ریو دو ژانیرو برگزار شد نتیجه گرفت که اقتصاد سبز ابزاری برای دستیابی به توسعه پایدار اجتماعی-اقتصادی و زیست محیطی خواهد بود. کنفرانس توصیه می کرد که این رهنمود باید برای محدوده های محلی و منطقه ای طرح و اجرا شود و اهداف در آن برای همه به یک اندازه نخواهد بود و باید به نیاز های ویژه و گسترده تر محلی پاسخ گوید. سند نهایی ریو+20 هر کشور را ترغیب نمود اقتصاد سبز را برای کاهش فقر و توسعه پایدار در زمینه محلی و منطقه ای خود برنامه ریزی نماید. در این سند بر تلاش برای ایجاد کار در اقتصادی پایدار و فراگیر به ویژه با توجه به نیاز برای توسعه اشتغال زنان، جوانان و اقشار تهیدست تاکید شده است. در سند بر اهمیت آموزش و تربیت کارگران و تأمین ابزار های مورد نیاز ایشان برای افزایش ظرفیت های فنی همراه با تأمینات بهداشتی و اجتماعی تأکید گردیده است. از تمام اقشار، صنایع و کارفرمایان درگیر خواسته شده است به اندازه مناسب در این برنامه جهانی سرمایه گذاری نمایند و از دولت ها درخواست شده که برای توسعه دانش و آگاهی و افزایش گنجایش های آماری مشاغل در روند های نوظهور برای ایجاد زیربنای مورد نیاز علمی و پژوهشی به وظایف خود عمل کنند.

یک اقتصاد سبز به عنوان رهنمود به سوی توسعه پایدار نه تنها برای تولیدکنندگان و بازار کار به طور عام خوب است، بلکه از ضروریات زندگی بشری در این جهان است. ادامه نابودی منابع موجود با افزایش مصرف، آلوده سازی در محیط زیست بیش از پیش منابع مورد نیاز حیات انسانی از جمله آب آشامیدنی، زمین زراعی را محدود ساخته و گرمایش زمین را تسریع می بخشد و به تنوع بیولوژیک کره ارض تا به حدود غیرقابل ترمیمی صدمه می زند.

صدمات اقتصادی و اجتماعی ناشی از تخریب محیط زیست تمامی دستاورد های بشری در کاهش فقر و توسعه در طی دهه های اخیر را خنثی کرده و فقر و بیعدالتی را در جهان همه گیر می نماید. تولیدات مصرفی و روند های مصرفی در کنار توسعه بدون توجه به نابودی زمین های قابل زرع، نابودی جنگل ها و قطع درختان و آلودگی گسترده آب مصرفی با آلاینده های شیمیایی باعث کاهش و کمیابی آب مصرفی و کمبود مواد غذایی و افزایش قیمت ضروریات زندگی انسانی می گردد. بیش از یک میلیارد شغل در خطر محو شدن از بازار کار است که عمدتاً در کشاورزی و صنایع غذایی و شیلات با خطر انقراض روبرویند.



ادامه وضعیت موجود مانع رشد اقتصادی و توسعه بازار اشتغال شده است. بالعکس یک برنامه منظم برای گذار به اقتصاد سبز می تواند به رشد توسعه و بهبود شرایط موجود کمک نماید. یک اقتصاد سبز در آینده شانس بسیار بیشتری برای موفقیت در تمامی شئون راهبردی زندگی بشری دارد.

یک سؤال زیربنایی در منطق گذار به اقتصاد سبز موضوع ارزش گذاری بر منابع است. بطور طبیعی اقتصاددانان سرمایه های مالی و انسانی را در ارزشگذاری تولید به حساب می آورند، ولی سرمایه ناشی از وجود منابع و تأثیر آن در روند تولید را در نظر نمی گیرند. سرمایه طبیعی به منابع طبیعی اشاره دارد که شامل جنگل ها، زمین های زراعی، شیلات و منابع آبی می شود، به عبارت دیگر بخش های مفید اکوسیستم طبیعی که در خدمت اجتماع قرار دارند. گرچه استفاده از این منابع در روند تولید اقتصادی هزینه دارد اما آن هزینه در قیمت گذاری بازار جایی ندارد و فقط به صورت نرخ منفی تأثیر بیرونی بر محیط زیست محاسبه می شود. از آنجا که این هزینه ها خارج از مکانیزم قیمت گذاری بازار است، هزینه خصوصی آن در قبال هزینه اجتماعی آن نادیده انگاشته می شود.

(1)-(Advance print Nov 2017 Green Jobs Assessment Institutions Network (GAIN))



فعالین محیط زیست را آزاد کنید!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته جنگ کارگری



در این هفته اعتصابات و اعتراضات کارگری باز هم افزایش یافتند. از ویژگی های اعتصابات اخیر افزایش اعتصابات کمتر تدافعی و بیشتر تعرضی است.

عقب نشینی کارفرمایان در مقابل اعتصابات واحدهای پتروشیمی، تجمع اعتراضی کارگران سیمان ایلام تجمع های بازنشستگان شرکت مخابرات راه دور شیراز مقابل استانداری فارس، بیانیه مشترک ۱۰ تشکل کارگری مستقل با خواست افزایش دستمزد، بیانیه انجمن روزنامه نگاران آزاد، احضار ۳ تن از کارگران سیمان کارون از طرف مسئولین قضایی، کشته شدن دلخراش ۷ کارگر در اثر سقوط آسانسور در حین کار، مهمترین رویدادهای کارگری هفته بودند.

در حالی که حدود دو هفته بیشتر به انتخابات فرمایشی نمانده و در شرایطی که بساط فریبکاری سرکردگان تشکلهای کارگری حکومتی برای کشاندن کارگران به پای صندوق های رای با دادن وعده های کاذب پهن تر از همیشه است، کارگران بدور از این هیاهوهای تبلیغاتی رذیلانه و بی اعتنا نسبت به تلاشهای مذبوحانه آنها برای دفاع از حق و حقوق پایمال شده و بهبود شرایط مزدی و شغلی شان و حق تشکل در شهرهای مختلف مشغول اعتصاب و اعتراض بودند.

در این میان اعتصابات در چند کارخانه پتروشیمی که از دو هفته پیش شروع شده بود، با وجود سانسور شدید خبری که برای سرپوش نهادن بر آنها و محدود نمودن تاثیرات شان در آستانه انتخابات اعمال می شد، تا میانه این هفته نیز تداوم یافتند و تنها پس از موافقت مدیران کارخانه ها و مسئولین دولتی با خواسته های کارگران پایان یافتند. انتخاب موقع اعتصابات، شرکت همزمان کارگران ۳ کارخانه در اعتصابات با مطالبات کم و بیش مشترک به همراه مقاومت دلیرانه کارگران روی خواسته هایشان و به برکت همبستگی تحسین برانگیز میان اعتصابیون، علل اصلی کامیابی کارگران در کارخانه های پتروشیمی، "بندر امام" بودند. تشکیل اتحادیه کارگری، یکسان سازی حقوق و مزایا، افزایش دستمزد، اجرای بدون تبعیض طبقه بندی مشاغل، لغو قراردادهای حجمی، از خواسته های اصلی اعتصابات کارگران پتروشیمی ها در بندر امام بودند. به رغم این کامیابی اما باید منتظر بود و در عمل دید که کارفرمایان و مسئولین دولتی تا چه حد به توافقات شان پایبند باقی می مانند. امید این است که کارگران آگاهی که به ضرورت و اهمیت اتحادیه مستقل کارگری مطابق با مقوله نامه های سازمان بین المللی کار واقف هستند و آن را جز مطالبات اعتصاب شان قرار داده اند، بتوانند کارفرمایان را وادار به اجرای توافقات شان کنند.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه سیمان ایلام

۶۰۰ کارگر کارخانه سیمان ایلام در این هفته در اعتراض به عدم اجرای طبقه بندی مشاغل و عدم حمایت اداره کار از اجرای قانون طبقه بندی مشاغل که در قانون کار به تصویب رسیده است اعتراض کردند و خواستار اجرای طرح طبقه بندی در کارخانه



شدند. گفتنی است که عدم اجرای طبقه بندی مشاغل یکی از ترفندهای رایج کارفرمایان برای پایین نگاه داشتن دستمزده و پرداخت دستمزد حداقل به همه کارگران و منظور نکردن تخصص و سابقه کار است. ادارات کار که بایستی بر اجرای قانون کار نظارت نمایند، از انجام وظیفه شان سر باز می زنند.

تجمع کارگران شرکت حمل و نقل خلیج فارس در مقابل سازمان خصوصی سازی

کارگران شرکت حمل و نقل خلیج فارس در این هفته بار دیگر و برای چندمین بار در اعتراض به واگذاری این شرکت و پایمال سازی حق و حقوق شان پس از واگذاری توسط مالک شرکت اعتراض نمودند. کارفرمای جدید پس از استقرار در شرکت شروع به از میان برداشتن حق و حقوق قانونی کارگران نموده است. تبدیل قراردادهای کاری کارگران از رسمی به موقت، پرداخت نکردن منظم دستمزدها، کاهش مزایای جنبی مزدی، واریز نکردن حق بیمه کارگران به حساب تامین اجتماعی و به خطر افتادن امنیت شغلی و اجتماعی کارگران در اثر واگذاری شرکت، از جمله تغییراتی است که در پی خصوصی شدن شرکت بوجود آمده است. در واقع همراه با به تاراج رفتن بخشی از اموال عمومی حقوق کارگران نیز توسط مالک جدید به تاراج برده شده و این است آن دلیل اصلی مخالفت فزاینده کارگران با سیاست خصوصی سازی که توسط نفولیرال های آشکار و نهان و زیر پوشش و عناوین فریبنده در جریان است. هدف مقدم ائتلاف نفولیرالی نیز چیزی به غیر از برچیدن حق و حقوق کارگر و افزودن بر سود اقلیت رانت خوار حاکم نیست.

تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته مخابرات راه دور شیراز

در روزهای سه شنبه و چهارشنبه این هفته کارگران بازنشسته مخابرات راه دور شیراز در مقابل ساختمان استانداری فارس تجمع اعتراضی برگزار کردند و ضمن اعتراض به خلف وعده مسئولین ذیربط خواستار پرداخت حق سنوات خود همراه با سود تاخیر آن شدند. به نوشته خبرگزاری "ایلنا" ۴۰۰ نفر که در تجمع روز چهارشنبه حضور داشتند، خواستار رسیدگی مسئولین استانداری به وضعیت شان از طریق مذاکره با مسئولین وزارت صنعت و معدن هستند. این خبرگزاری میزان بدهی شرکت به بازنشستگان را با احتساب سود دیرکرد آن ۱۰۰ میلیارد تومان اعلام نموده است. شرکت مخابرات راه دور گفته می شود تحت مدیریت "هیأت اجرایی، هیأت حمایت از صنایع که مدیران ارشد وزارتخانه ها در آن حضور دارند، اداره می شود".

اعتراض پرستاران به ناچیز بودن کارانه و عدم پرداخت منظم آن

گزارشاتی که در خصوص وضعیت پرستاران منتشر می شوند حاکی از وجود نارضایتی و ادامه اعتراضات پرستاران در همه شهرها، نسبت به اجحافاتی که در حق آنها روا داشته می شود دارند. در این هفته نیز پرستاران نسبت به پرداخت نشدن کارانه ناچیزشان طی ۱۲ تا ۱۴ ماه گذشته اعتراض نمودند و گفتند بخشی از ارزش کارانه های معوق آنها بواسطه افزایش قیمت ها و کاهش ارزش پول از دست رفته است و دیگر کمک چندانی به بهبود وضعیت اقتصادی آنها نمی کند. گفتنی است که مسئولین دولتی در روز پرستار وعده پرداخت کارانه های معوق پرستاران را داده بودند، که تا کنون به آن عمل نکرده اند.

درخواست افزایش دستمزد توسط ۱۰ تشکل کارگری و انجمن روزنامه نگاران آزاد

در این هفته پس از آنکه تقاضای افزایش حداقل دستمزد به ۷ میلیون تومان در ماه توسط کارگران پتروشیمی "بندر امام" مطرح شد. در حالی که نمایندگان تشکلهای کارگری وابسته به حکومت و دبیرکل خانه کارگر صحبت از افزایش دستمزد ۲ میلیونی می کردند، ۱۰ تشکل کارگری مستقل به همراه انجمن روزنامه نگاران در دو بیانیه جداگانه خواستار افزایش واقعی دستمزدها شدند. این تشکل ها در بیانیه شان با اشاره به سبد هزینه معیشت خانوار که بالغ بر ۹ میلیون تومان گردیده خواهان افزایش دستمزدها گردیده اند. انجمن روزنامه نگاران آزاد نیز در بیانیه شان با اشاره به ناچیز بودن دستمزد ۸۰ درصد از مزدگیران و افزایش هزینه های زندگی به بیش از ۸ میلیون تومان خواستار افزایش مناسب دستمزدها و اصلاح دموکراتیک قوانین ناظر بر محاسبه و تعیین دستمزد شده اند. با این همه شواهد موجود نشان می دهند که مبلغ پیشنهادی نمایندگان دولت و کارفرمایان در شورای عالی کار نهایتاً حاضر به افزایش دستمزد بیش از ۲۲ درصد نیستند. بنا بر این کارگران از جمله ۱۰ تشکل که خواستار افزایش دستمزد واقعی و متناسب با هزینه های زندگی هستند و همچنین انجمن روزنامه نگاران آزاد که خواستار تغییر قانون تعیین مزد هستند لازم است تا هنوز فرصت باقی است خودشان دست به اقدام مقتضی بزنند. شورای عالی کار بدون فشار از بیرون به افزایش واقعی دستمزد تن نخواهد داد و از دست نمایندگان تشکلهای حکومتی کاری ساخته نیست.

" انجمن صنفی روزنامه نگاران آزاد تهران خواهان بازنگری اساسی و اصلاح دموکراتیک در ساز و کار تعیین مزد و تصویب حداقل مزدی است که هزینه های یک خانوار را مطابق با حیثیت و کرامت انسانی تامین کند."

احضار ۳ تن از کارگران سیمان کارون توسط دستگاه سرکوب

در این هفته نیز سرکردگان دستگاه سرکوب بیکار نشستند و پس از صدور احکام جابرانه حدود ۴۲ سال زندان و ۲۲۲ ضربه شلاق و جریمه نقدی و محرومیت از فعالیت سیاسی و اجتماعی برای ۷ نفر از معلمان عضو انجمن صنفی فرهنگیان خراسان



شمالی، و شمار دیگری از فعالین سیاسی و اجتماعی به زندان های طولانی، ۳ تن از کارگران سیمان کارون در هرمزگان را به دلیل شرکت در اعتصابی که ۳ سال پیش در این کارخانه انجام شد، بار دیگر احضار کردند. تشدید مداوم سرکوبها نشان از وحشت رژیم از گسترش اعتراضات علیه حکومت و سیاستهای جابرانه و عدالت ستیزانه آن دارد. با این همه این بگیر و ببندها روند مبارزات اجتماعی برای برکناری رژیم مستبد و فاسد فقه ها از قدرت را متوقف و منحرف نخواهد کرد و انگیزه مبارزان را برای ادامه پیکار حق طلبانه شان استوارتر می کند.

کشته شدن دلخراش ۴ کارگر در یک روز

متأسفانه روند فزاینده کشته شدن کارگران در حین کار به دلیل حکمروایی بی قانونی و زیاده خواهی کارفرمایان همچنان بصورت پرشتاب ادامه دارد. در این هفته تنها ۴ کارگر ساختمانی در حین انجام کار در اثر سقوط آسانسور به صورت دلخراشی در یک ساختمان در دست ساخت، واقع در شهر صوفیان از توابع شبستر کشته شدند. که البته این تنها حادثه منجر به مرگ هفته نبود. حداقل یک کارگر معدن در بیرجند و دو کولبر دیگر نیز در سقز در اثر سرما جان باختند. متأسفانه به دلیل کاهش حساسیتها نسبت به این واقعیت تلخ و بی ارزش شدن جان انسان های شریف و زحمتکش به نظر می رسد این وضعیت تا مدتها ادامه داشته باشد.

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر
تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان
خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>



خیزش سراسری مردم سرکوب شدنی نیست، مبارزه ادامه دارد!